



تأثیر فقه بر آزادی اعتقادی / مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی اسلام

آزادی در اندیشه سیاسی اسلام، مفهوم دلالت و منطق ویژه و منحصر به خود را دارد. دستگاه نظام مند اندیشه سیاسی اسلام، سه نوع آزادی را در سه قلمروی فکری، عاطفی و رفتاری هم تولید می کند و هم به تعبیری محدود یا ریل گذاری می کند.

خبرگزاری مهر - آزادی در اندیشه سیاسی اسلام، مفهوم دلالت و منطق ویژه و منحصر به خود را دارد. دستگاه نظام مند اندیشه سیاسی اسلام، سه نوع آزادی را در سه قلمروی فکری، عاطفی و رفتاری هم تولید می کند و هم به تعبیری محدود یا ریل گذاری می کند. محدود کننده آزادی فرد

-محدود کننده های آزادی نسبت به فرد محدود کننده تلقی می شود و نسبت به غیر فرصت برای آزادی تولید می کند.

-آزادی های سیاسی باید همواره دارای یک «پیوست اخلاقی» باشد. بدون تحقیق آزادی اخلاقی در فرد و جامعه، آزادی سیاسی برای فرد و دیگران زیان آور خواهد بود. به این ترتیب آزادی اخلاقی و آزادی سیاسی مکمل ساز یکدیگرند.

-آزادی معنوی و ملکه شدن هنجارهای اخلاقی در فرد می تواند به عنوان یک اهرم قوی بازدارنده برای فرد به ویژه حاکم در قالب عدم تجاوز به حقوق و آزادی دیگران و عدم ظلم به دیگران عمل کند. در نتیجه دو نقش توأمان محدود کننده آن نوع از آزادی فردی که تجاوز به آزادی دیگران است و درعین حال ایجاد کننده آزادی برای غیر است، را ایفا کند.

-آزادی معنوی و روحی می تواند یکی از قوی ترین ضمانت اجرایی برای پاسداری از حریم آزادی افراد از سوی حکومت کنندگان در مرتبه اول و از سوی حکومت شوندگان در مرتبه دوم باشد.

-آزادی روحی و معنوی، آسیب های احتمالی کاربرد آزادی سیاسی در عمل را مصونیت می بخشد و نوعی «بیمه» کردن رفتار سیاسی است، آن هم از نوع بازدارندگی و در مرتبه بعدی جبران خسارت احتمالی و اعلام توبه سیاسی از خدشه دار کردن آزادی دیگران.

-آزادی معنوی به معنای آزادی مثبت بر این به گونه ای که از آزادی صرف نظر کنید نیست. بلکه آزادی معنوی خود بستر ساز و مشوق فرد و جامعه برای اکتساب آزادی سیاسی است. از این روست که می توان از آن به عنوان «آزادی معنوی فعال» و نه «منفعل» یاد کرد. نوعی عرفان اصیل است که فرد را از جامعه دور نمی کند بلکه برعکس او را به مبارزه برای ایجاد مدینه فاضله و رشد سیاسی الهی می کشاند.

-اخلاقیات اسلامی فرد مؤمن، نوعی نظارت درونی، کنترل درون یا «خودکنترلی» را به صورت خودکار بر فرد اعمال می کند و او را از دست یازی به آزادی دیگران باز می دارد. حتی ساز و کارهای بیرونی نظیر قوانین رسمی در صورتی کارآمد است که به طور توأمان با ساز و کارهای درونی به منظور حفظ آزادی سیاسی دیگران همزمان اعمال شود.

1- تأثیر فقه بر آزادی اعتقادی

زور و اجبار و تحمیل صرفاً در قلمرو ظاهر انسان ها می توان اعمال قدرت کرد و اثر گذاری داشت؛ اما زور و اجبار نمی تواند بر باطن اثرگذاری کند و باطن را تصرف کند. باطن هم دو وجه دارد. یکی وجه اخلاقی و دیگر وجه اعتقادی.

رفتارها و واقعیت ها و بسترهای عینی به عنوان متعلق فقه و احکام چگونه می تواند بر اعتقادات و آزادی اعتقادی اثرگذاری داشته باشد؟

محدود کننده یا تولید کننده آزادی

احکام فقهی چگونه می تواند به تولید آزادی معطوف به اندیشه و اعتقاد بینجامد؟ چگونه به حفظ اعتقادات مدد رسانی می کند؟

1- جهاد ابتدایی. جهاد ابتدایی یکی از مباحث مناقشه برانگیز در بحث آزادی است. جهاد به عنوان یک دستور فقهی، تلاش برای

رفع موانع ایمان آزاد است؛ یعنی افراد یا حاکمیت‌هایی مانع رساندن پیام فطرت و توحید و دعوت اسلامی به فرد می‌شوند، در این وضعیت، جهاد ابتدایی نه به مقصد اظهار قولی ظاهری بر اسلام، بلکه به منظور نجات دادن مسلمانان از ساختار شرک آمیز و کفرآمیز است و پس از بین رفتن این ساختار، مشرکان و کافران مجبور به پذیرش اسلام نمی‌باشند.

2- هجرت به عنوان یک دستور فقهی در مواضع مکرر و آیات متعدد قرآن کریم به عنوان ساز و کاری برای بستر مساعد برای اظهار عقاید و آزادی عقیده و اجرای قوانین اسلامی است هجرت از سرزمینی که در آن آزادی اندیشه و عمل وجود ندارد به سرزمینی که در آن آزادی ایمان وجود دارد در کانون توجه است.

3- تقیه به عنوان یکی از ساز و کارهای فقه شیعی خود اهرمی است برای حفظ اعتقادات و آزاد سازی اعتقاد است.

4- حرمت نشر و مطالعه کتب ضلال. این دستور فقهی نیز ساز و کاری جهت حراست از ایمان و اعتقادات است. هر چند به دلیل تحولات ژرف در تکنولوژی ارتباطی برخی به جای «کتب ضاله» از «امواج ضاله» یاد می‌کنند با این همه حرمت کتب ضلال برای حفظ اعتقادات شخصی همچنان می‌تواند کارساز باشد. به بهانه تسهیلات ارتباطی نمی‌توان آن را کفار نهاد. در عین حال یاد به طرح مطالب آنها در محیط‌های علمی که توانایی پاسخگویی به آنان را دارند و تولید نقدهای عالمانه پرداخت.

5- ارتداد. حکم فقهی ارتداد نیز یکی دیگر از ساز و کارهای حفظ اعتقادات و آزادی اعتقادات است.

2- تأثیر رفتار و اقدامات دولت‌ها در شکل‌گیری اعتقادات خاص

به طور مثال پیدایش اعتقاد به «جبر» در دوره معاویه و امویان با مسلط شدن این اندیشه‌ها ریشه در واقعیات عینی سیاسی و منافع حاکمان آن زمان داشت.

تجارب تاریخی و بازخوردهای آزادی در سیاست عملی نیز به نوبه خود در قبض و بسط آزادی‌های سیاسی اثرگذار است. به طور مثال افراط و تفریط‌ها در نحوه کاربرد آزادی سیاسی در دوره‌های مشروطه و نیز بعضاً در دوره اصلاحات منجر به احتیاط‌کاری‌هایی در باب گسترش آزادی شده و می‌شود.

3- تأثیر فقه بر اخلاق معطوف به آزادی (آزادی اخلاقی)

عدم تأثیر گذاری فقه بر اخلاق و آزادی اخلاقی. اجبار و زور فقط در قلمرو ظاهری افراد کارساز است که قلمرو فقه است. در حوزه اخلاق و عقاید افراد کارساز نیست. عقیده و ایمان در منطقه‌ای قرار دارد که از دسترس تحمیل و اجبار خارج است. با ابزار نه می‌توان فکری را به کسی قبولاند و نه می‌توان اعتقادی را به او انتقال داد و نه می‌تواند خلیات فردی را تغییرداد. این نکته‌ای است که در تفسیر آیین شریفه لاکراه فی الدین از سوی علامه طباطبایی اظهار شده است. «علاقه و مهر و محبت را به زور نمی‌شود، ایجاد کرد، گرایش باطنی را به زور نمی‌شود ایجاد کرد.» بنابراین این باید از این سبب به عنوان عدم تأثیرگذاری فقه بر اخلاق آزادی یاد کرد. «با اقدامات ظاهری و تسلط بر ظاهر نمی‌توان باطن را تصرف کرد»

- نفاق و ریا: اثر معکوس و زیان بار کاربرد زور در قالب بروز پدیده «نفاق» یا «ریاکاری» یکی از پیامدهای زور در امور اعتقادی و اخلاقی است. موضوعی که نه تنها به بهبود ساختار سیاسی-اجتماعی و فرهنگی کمک نمی‌کند، بلکه پیچیدگی برخورد با موضوع را دشوارتر می‌سازد.

- مذمت تشیع فاحشه: در عین حال پیرو آیه شریفه سوره حجرات، مؤمنان از اینکه قبح امور ناپسند با بیان آزاد و مکرر ریخته شود و این تکرار در دراز مدت خلیات جامعه را تغییر دهد، به مخالفت برخاسته است.

- واقعیات بحرانی و ظهور آزادی روحی و معنوی: تجربه تاریخی نشان داده است که انسان‌ها همواره در برابر شدائد و بحران‌ها به درون هجرت می‌کنند و بستر مساعدی برای پرورش «آزادی روحی» و معنوی فراهم می‌شود. رواج صوفی‌گری و ظهور فرق عرفانی در زمان بعد از تهاجم مغول به ایران یکی از مصادیق آن است. هر چند که این آزادی معنوی در دو قالب «فعال» و «غیرفعال» عمل کند و در آزادی سیاسی تأثیر داشته یا نداشته باشد.

نتیجه‌گیری

آزادی در اندیشه سیاسی اسلام، مفهوم دلالت و منطق ویژه و منحصر به خود را دارد. دستگاه نظام مند اندیشه سیاسی اسلام،

سه نوع آزادی را در سه قلمروی فکری، عاطفی و رفتاری هم تولید می کند و هم به تعبیری محدود یا ریل گذاری می کند. از خلال تعاملات سه گانه و شش صورت بندی به دست آمده، راهنمایی برای تحقق عینی و عملی آزادی در رفتار سیاسی فراهم می کند. این تعاملات چند گانه بحث آزادی را با واقعیت عینی فرد، جامعه، دولت و نظام بین الملل پیوند می زند، آسیب شناسی می کند و قدرت تولید پاسخ برای پرسش های جدید در محور آزادی فراهم می کند.

.....

منبع: پرونده موضوعی شماره بیستم مقاله «آزادی در الگوی سه گانه اسلام» نوشته دکتر ابراهیم برزگر